



۱۳۵

سوسیالیسم امروز

سرویس: آذکیمیا iransocialist2017@gmail.com ۱۵ آبان ۱۳۹۹ - ۵ نوامبر ۲۰۲۰
www.simroz.org

بازنشر یک جمعبندی درست، و راه حل متفاوت کارگری- سوسیالیستی برای کسب پیروزی واقعی بر فاشیسم جمهوری اسلامی
**بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره:
 اعتراضات آبانماه، درسهای آن،
 طبقه کارگر و چه باید کردها**

صفحه ۳

اعلامیه حزب سوسیالیست انقلابی ایران در باره:
دور جدید جنایات تروریستهای اسلامی

تاریخ جامعه انسانی همواره از جانب دو رکن اصلی توجیگران استبداد و استثمار و خرافات، و تامین کنندگان ابزارهای اعمال نابرابریهای اجتماعی، سیاسی و طبقاتی، که در عصر حاضر اجزا لایتجزا نظام حاکم سرمایه داری اند، یعنی از دو پدیده ارتجاعی مذهب و ناسیونالیسم و ملی گرایی، بغیر از جنگ و ترور و خون و جنون و آدمکشی تجربه دیگری ندارد. به قدمت تاریخ نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری، هر دوره ای، و هر بار به مناسبتی در جهت تامین منافع طبقه حاکمه مستبد سرمایه داری قلاده این دو جنبش و هیولایی ضد انسانی را رها و به جان جامعه انداخته شده اند. حتی در جدال و رودرونی با هم نیز برای تقسیم قدرت اقتصادی و سیاسی و اداری از راه تحمیق و فریب توده مردم، و راه انداختن جنایت و جنگ و تروریسم در پی سهم خواهی خود و ایجاد "بالانس" در همان بستر نظام ضد انسانی سرمایه داری هستند. هر کدام در تلاش هستند تا بخشهای از جامعه جهانی و افکار و مشغله و درایت و عقلشان را حول سیاست و پروپاگند خود مهندسی نمایند و جامعه را به نزاع و خودفریبی سوق داده تا اصل نبرد و تضاد و منافعی که طبقه کارگر و بشریت آزادیخواه همواره دنبال آن بوده و هستند در زیر گرد و خاک این جدال خونین و کشمکش جنایتکارانه محو و کم رنگ گردد.

صفحه ۲

جامعه در چنگال ویروس کرونا و ویروس جمهوری اسلامی

صفحه ۵

ویروس کرونا در سایه جمهوری اسلامی هر روز صدها قربانی میگیرد

صفحه ۱۲

اعتیاد ابزار ارتجاع حاکم برای سرکوب خاموش جامعه

صفحه ۷

شرایط بسیار سخت و بحرانی در ایران حاکم است

صفحه ۶

جایگاه نیروی مسلح برای حزب سوسیالیست انقلابی

صفحه ۹

گرامی باد یاد کمونیست برجسته و محبوب جعفر شفیعی

صفحه ۱۰

ممنوعیت تبعیض نژادی رفع ستم ملی مساله کرد

صفحه ۱۱

کارگران جهان متحد شوید!

دور جدید جنایات ...



ملی گرایان در هر کشوری که دارند، میتوانند به درستی درک شود، و راه مبارزه درست را علیه آن انتخاب نمود. مبارزه علیه لجن و آدمکشی دین و نژاد پرستی از مجرائی مبارزه قاطع با کلیت نظام سرمایه داری میگذرد!

حزب ما ضمن اعلام همدردی با بستگان قربانیان اخیر در فرانسه و اتریش و افغانستان، و... ضمن محکوم کردن این جنایات توسط جنایتکاران اسلامی، معتقد است که برای پایان دادن به تروریسم اسلامی و غیر اسلامی و برای دفاع بدون ریاکارانه از آزادی بیان و نقد، و برای دفاع از امنیت و آزادی و رفاه و دیگر حقوق اولیه انسانها، باید بدوا راه مبارزه علیه نظام حاکم طبقاتی که ترامپ و بایدن و پوتین و ماکرون و خامنه ای ها و اردوغانها و دیگر نمایندگان نظام طبقاتی پرورش دهنده تروریستهای "مدرن" و غیر مدرن حاکم را تشدید کرد و آنها را از سر راه برداشت، تا هر ثانیه شاهد نابودی میلیونها انسان و پایمال شدن حرمت و آسایش و حقوق اولیه میلیاردها انسان دیگر نباشیم! ، باید پرچم نه گفتن به تروریسم ما از کانال نه گفتن به کلیت نظام سرمایه داری مبتنی و انتگره شده با ارتجاع مذهب و ملیت و دموکراسی و استثمار و استبداد و اعمال نابرابری و غیره بگذرد. بدون دست بردن به ریشه و منشأ تروریسم، بدون مبارزه با کلیت نظام طبقاتی حاکم موجود، عملا در میدان کشمکشهای بخشهای از خود بورژوازی به خود فریبی و جامعه فریبی مشغول خواهیم شد. تا جامعه سرمایه داری هست جنگ و جنایت و ترور و آدمکشی و استثمار هست، چه با اسم اسلام مرتجع و فاشیسم و ملت پرستی، چه با هذیانگویی دموکراسی و حقوق بشری!

تنها راه پایان دادن به تروریسم و آدمکشی و خونریزی در جهان خشکاندن ریشه و زمینه های واقعی آن است که به اعتقاد ما در عصر حاضر نفس وجودی نظام سرمایه داری پیش درآمد و زمینه ساز همه جنایتها و اشکال مختلف تروریسم و آدمکشی و جنایت و تحمیل یک جامعه و مناسبات سرتا پا فاسد و نابرابر و غیر انسانی است.

نه به تروریسم!

نه به نظام سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2027@gmail.com

۱۵ آبان ۱۳۹۹

۵ نوامبر ۲۰۲۰



انسانهای مبارز و هر فردی با برخورداری از حداقلی از دانش و عقل و درایت متوسط به هیچ وجه همراه هیچکدام از این جریانها و جدال ضد انسانی و عقب مانده آنها به تحرک در نخواهد آمد، برعکس با تمام قدرت علیه آنها خواهد ایستاد.

مستقل از نزاع روتین خانوادگی صف سرمایه داران، از جمله در پوشش "مذاهب" و "ملیتهای" مختلف، که هر کدام به پرچم و هویت بخشهای از جنبشهای بورژوازی، اعم از ملی و مذهبی، در پوزسیون و اپوزسیون تبدیل شده است، ما همواره شاهد اشتراکات این دو جنبش ارتجاعی علیه پیشرفت و عدالت و آزادی جامعه و طبقه کارگر بوده ایم. اشتراکاتشان در حمایت از طبقه و قشر و نظام طبقاتی حاکم بسیار بیشتر از تضادهایشان است. از برده داری تا فئودالی و سرمایه داری، همواره شاهد نقش محوری این دو جنبش و پرچم به عنوان رکن بقای نظامهای ظالم و سرکوبگر بوده و هستیم. در هیچ جای جهان امروز به واسطه نظام سرمایه داری چه در قالب ارتجاعی دین و چه خرافه ملت گرایی بشریت به آزادی و برابری و رفاه و امنیت واقعی دست پیدا نکرده و دست پیدا نخواهد کرد!

اینکه یکی با اتکا به وحوش اسلام با شمشیر گردن می زند و دیگری با اسلحه فریبنده و زیننده "دموکراسی" هیچی از واقعیت ضد انسانی بودنشان کم نمی کند. اینها همواره ابزار استقرار نظامهای مبتنی بر بی اراده کردن انسان، نظامهای مستبد، حامیان زورگویی و اعدام و زندان، و ضدیت کامل با سوسیالیسم و جنبش طبقه کارگر، با آزادی بیان و نقد و حق برابر شهروندی و برابری زن و مرد بوده و هستند. در نتیجه آنچه که امروز در قالب "افراطی" فاشیسم ملی گرایی و تروریسم و آدمکشی آنها (همان ناسیونالیسم لجام گسیخته) یا به اسم تروریسم اسلامی (همان مذاهب ارتجاعی ، اعم از اسلام سنی و شیعه و یا مسیحیت و غیره) در جامعه "عادی" و باز تولید میشوند، و همه شان از قیل کار و ثروت دیگران دین افیون خود را تبلیغ و گسترش میدهند، همه محصول سیاستهای هدفمند طبقه و دولتی است که امروز حاکمیت میکنند و برای بقای این حاکمیت به این نوع لجن و خرافات نیاز دارند. اینکه در مقطعی این نیروهای دست ساخت خود بورژواها به جنگ علیه خودشان میروند نمیتواند حقایق گفته شده را مورد شک و تردید قرار داد.

از جمهوری اسلامی ایران تا القاعده و داعش و طالبان و حشد شعبی و گرگهای خاکستری و حزب الله و نازیسیم و فاشیسم و ناسیونالیسم و شونیسیم و همه نیروهای ارتجاعی فاشیستی- ملی گرا و مذهبی در همه کشورها محصول نظام طبقاتی حاکم سرمایه داری و به منظور حراست از نظام موجود و دشمنی با منافع طبقه کارگر و زحمتکش و جنبشهای آزادیخواهی شکل گرفته اند. بدون فهمیدن این واقعیتها امکان درک درست رابطه جنایتهای اخیر اسلامیه در فرانسه و اتریش و افغانستان را نیز با جهان حاکم سرمایه داری کنونی نه به درستی قابل درک خواهد شد و نه وجه مشترک اهداف و سیاست که بورژوازی "دموکراسی" طلب حاکم در غرب و دیگر دولتهای سرمایه داری با تروریسم اسلامی و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

بازنشر یک جمع‌بندی درست، و راه حل متفاوت کارگری- سوسیالیستی

برای کسب پیروزی واقعی بر فاشیسم جمهوری اسلامی

بیانیه حزب سوسیالیست انقلابی در باره:

اعتراضات آبانماه، درسهای آن، طبقه کارگر و چه باید کردها

حرکت اعتراضی آبانماه و ماهیت آزادیخواهانه و ضدیتش با بنیادهای حاکمیت سرمایه و اسلامی بر عکس هذیان گوئی خامنه ای جلاد و رهبر "اغتاشگران" اوباش اسلامی، که مدعی شد این کارجریانات سلطنت طلبان و مجاهدین بود، یک تعرض برخواسته از عمق جامعه علیه فقر و نابرابری و علیه همه مقدسات و الگوهای دینی و سرمایه دارانه هم جمهوری اسلامی، و هم جریان مجاهدین بورژوا- اسلامی و بورژوا- شونیستی سلطنتی خاندان فاسد پهلوی بود!، قابل توجه است که همین نوع حربه ها را شاه و دارودسته اش نیز در زمان سرنگونی خودشان علیه انقلابیون و معترضین آن دوره بکار بردند. با این سیاستها میخواهند به اصل اراده انقلابیگری از پائین توسط کارگران و زحمتکشان و به اعتراض بر حق شهروندان آسیب برسانند و راه سرکوبش را فراهم نمایند، و هم اینکه در صورت سرنگونی و سقوط خود یک آلترناتیو بورژوائی شبیه بخود را مطرح و به عنوان "خواست مردم" تقویت کرده باشند. با این شگردها میخواهند راه طبقه کارگر و زحمتکش و سوسیالیسم و صف مستقل آزادیخواهی مخدوش و به بیراهه و به حاشیه رانده شود، تا تکرار سناریوهای تاریخی مرتجعین مستبد شونیستی و اسلامی که هر دو ضد کارگری و ضد انقلابی و ضد آزادی و برابری اند در قالب دیگری در ایران ممکن تر گردد!

یکی از مهمترین آموزه های این حرکت تلاش جدی و گسترده تر به منظور آماده سازی به مراتب بیشتر کارگران، زنان و جوانان در روند مبارزه با جمهوری اسلامی و چگونگی مقابله با دستگاه سرکوب و دست بردن به اشکال متعدد اعتراض از جمله تحصن و اعتصابات متحد کارگری، دانشجویی، فرهنگیان و غیره در بعد محلی و سراسری است. ما باید بدانیم بدون به میدان آمدن متحدانه طبقه کارگر، بدون شروع

یکی دیگر از درسهای گرانبهای این حرکت اعتراضی پرهیز از سیاستهای عوامفریبانه "همه با هم" کردنها و روی آوری به سیاستهای مستقل طبقاتی- سوسیالیستی ما است! هیاهوی احزاب و جریانات راست و چپ مبنی بر "مردم متحد شوید" هم میهن متحد شوید"، زنده باد جنبش همگانی سرنگون طلبانه" و غیره، یک سیاست غیر پیشبرنده، سیاست و حربه بورژوازی، و سیاست غیر کارگری و ضد سوسیالیستی است که نتیجه نهائی آن تکرار رویداد انقلاب ۵۷ است که در آن یک مستبد شاه شیعه مسلک بی ریش و پشم و با تاج و تخت را بیرون کردیم، یک مستبد اسلامی- شیعه مسلک و مرتجعتر دیگری با امامه و پشم و ریش را به ما تحمیل کردند.

این سناریو را به هیچ وجه نباید تکرار کرد؛ یکی از آزمونهای مهم اعتراضات آبانماه این بود که بار دیگر نشان داده شد که تنها با شعار دادن و انقلاب انقلاب و زنده باد مردم کردنها و یا اینکه باید از "خسونت پرهیز کرد" نمیشود کار این رژیم هار و فاسد و آدمکش را به سر انجام رساند و سرنگونش کرد. تشکل کارگری، سازمان و حزب انقلابی و سوسیالیست، سازماندهی واحدهای مقاومت انقلابی و میلیس مسلح توده ای و تامین رهبری جسور، صادق و سوسیالیست و ضد سرمایه داری شاخصهای اولیه پیشروی و پیروزی جنبش ما است، و راه سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی را هموارتر و ممکن تر خواهد کرد.

اعتراض های گسترده هفته آخر آبانماه ۹۸ آنچنان علیه ریشه مصاعب و مشقات و نابرابری و جنایت حاکم در این چهاردهه خروشید که جمهوری اسلامی را تماما به وحشت انداخت و از همه امکانات سرکوبگرانه و جنایتکارانه خود بهره جست تا بتواند با راه انداختن جویباری از خون صدها کارگر و زحمتکش و جوان معترض، جلو آنرا بگیرد. اما هم آنها و هم ما میدانیم خشم عمیق و فرو رفته دهها میلیون کارگر و زحمتکش و آزادیخواه آن مملکت در روند پیشروی مبارزه، چنانچه به خوبی از این رویداد مهم نیز درس گرفته باشیم و پرچم آزادیبخش طبقه کارگر و سوسیالیسم را بر فراز کل اعتراضات بر افراشته کنیم، میتواند کل بساط جمهوری ننگین اسلامی و طبقه حاکمه را در هم به پیچید.

برعکس ادعاهای که میشود اعتراضات امروز آبانماه در ادامه اعتراضات سال ۸۸ (جنبش سبز "رای من کو؟") یا دیگر اعتراضات نیم بند و بعضا ارتجاعی که معمولا پوپولیستها همه آنها را یکجا مثبت و در جویبار "جنبش همگانی و سرنگونی" می ریزند، نیست. حتی در ادامه همه جوانب اعتراضات دیمه ۹۶ نیز که بخشا ارتجاعی و با "الله اکبر گویی و رضا شاه روحش شاه و..." عرض اندام کردند، نیست. اینبار در اعتراض "جنبش گرسنگان" آبانماه، با وجود همه کمبودهای که داشت، به درست بدون آویزان شدن به این و آن جناح رژیم یا این و آن اپوزسیون مرتجع دست راستی و مذهبی به اساس نظام سرمایه داری و به کلیت الگوها و مقدسات نظام جمهوری اسلامی تعرض شد. یک پایه مهم و متفاوت ترا اعتراض رادیکال و میلیتانت آبانما ۹۸ با اعتراضات پیشین، علاوه بر انباشت انبوهی از تنفر و تضاد مستمر چهل ساله اکثریت شهروندان با بنیادهای سیاسی، فکری، اقتصادی، مذهبی و حکومتی این نظام تحمیل شده توسط امریکا و دیگر دول غریبی بر ما، عروج رادیکالتر و معترضتر و شور انگیزانه تر طبقه کارگر در یک- دو سال اخیر بود که فضای سیاسی کشور را دگرگون کرد. از اعتصابات سراسری حمل و نقل تا اعتصابات و اعتراضات پرشور کارگران هفت تپه و فولاد اهوز و آذر آب و غیره، تا نزدیک به دو هزار اعتراض کارگری صورت گرفته طی یکسال و نیم اخیر و پیامدهای که در ایران و جهان به همراه داشته فاکتور محوری و عامل بستر سازی به میدان آمدن اعتراضات رادیکالتر "مردم" علیه نظام طبقاتی حاکم بود.

ادامه

نه به تحریم اقتصادی، نه به سیاستهای دولت امریکا، نه به جمهوری اسلامی!

اعتراضات آبانماه، درسهای آن...

کارگران!، مردم آزادیخوا!

جمهوری اسلامی در این رویداد جنایت بسیار بزرگی مرتکب شده است. نباید گذاشت با آرامش حاکمیت سیاه و خونینش را تداوم بدهد! این کشتار و جنایت که جان صدها انسان مبارز و بی دفاع را گرفت، و چند هزار مجروح بر جای گذاشت، و قریب به ده هزار معترض را نیز بازداشت کرده اند یک اقدام هولناک و تراژدیک است که باید پاسخ بگیرد. عاملین و مسببین این جنایت را باید مجازات کرد و محل کار و زندگیشان را باید از آنها نا امن کرد، این نه "خشونت" که عین مبارزه با عاملین خشونت و جنون خون و آدمکشان است! این جنایت بزرگ، شبیه جنایت خرداد سال ۶۰، و شهریور ۶۷، اما در شرایط متفاوتتر و در ابعاد محدودتری است. هدف کلیه این جنایاتهای غیر قابل گذشت یک چیز است: نشان دادن جامعه سر جایش، تحمیل ترس و ارباب و تضمین تداوم حاکمیت سیاه اسلامی و نظام فاسد و نابرابر و ظالمانه سرمایه داری. اما ما میتوانیم جلو این سناریو را بگیریم، میتوانیم سیاستهای جمهوری اسلامی را علیه خودش تبدیل کنیم. برای سرنگونی حکومتی که به صف معترضین بی دفاع در خیابانها شلیک میکند، حتی برای پس دادن جنازه ها نیز پول از والدین میگیرد، زخمی هایمان را شکنجه و وادار به اقرار میکند، نباید هیچ ترحم و تردیدی به آنها داشت، و نباید در بکار بردن هر شکلی از مبارزه از جمله دست بردن به اسلحه نیز در شکل سازمانیافته و هدفمند و به موقع علیه شان تردیدی به خرج داد. باید خود را آماده کنیم تا تک تگشان را بازداشت و مجازات کنیم! همه ارکان و مقدسات و نهادهایش را باید به آتش بکشیم! و هر کسی حامی نظام اسلامی و سرمایه داری باشد چه در اپوزسیون و چه در داخل کشور، باید همراه با جمهوری اسلامی به گورشان بسپاریم.

ما میتوانیم اگر اینبار به جای جنایتکاران شاه و شیخ ملیگرا و اسلامی، به جای پنا بردن به خرافات ضد انسانی مذهبی و ملی گرایانه، به جای افتخار به پرچم کثیف و خونین نرسلاری، و بجای سرایدن سرود های ضد انسانی- فاشیستی "مرز پرگهر" فارسی زبان، یا "یاشاسین آذربایجان" ترکی زبان، یا "که س نه لی کورد مردوه" کردی زبان، به انسانیت و به حق برابر شهروندی خود، به پرچم انسانی و سرخ رهاییبخش انترناسیونال، و به صف مستقل طبقه کارگر و زحمتکش و به آرمان سوسیالیستی متکی باشیم و برای ایجاد یک نظام شورائی- سوسیالیستی با هم بکنیم. فراخوان "اتحاد" ما برای تحقق این امر سرنوشت ساز است، نه "اشتی" دادن کارگر و سرمایه دار، نه سازش طبقاتی بین استثمارگران و استثمار شونگان، یا تامین "اتحاد" بین صفوف انقلابیون و ضد انقلابیون! نه!، این کار مرجعین و عوامفریبان بورژوا و راست و پوپولیستهای عوامفریب است نه کار کارگر و سوسیالیسم و حقیقت گویان. تنها راه رهایی ما از دست جمهوری اسلامی و نظام فاسد سرمایه داری حاکم بر کشور، با احزاب داخل و خارج کشوری اش، و تنها راه پایان دادن به هر شکلی از ستم و نابرابری و تبعیض و فقر و جنگ و جنایت، انتخاب پرچم آزادیبخش طبقه کارگر، پرچم سوسیالیسم، و پیوستن به احزاب شبیه ما است!

حزب سوسیالیست انقلابی به همه عزیزانی که بستگانشان را از دست داده اند عمیقاً تسلیت گفته و در این اندوه سنگین با آنها شریک است. ما برای مجروحین آرزوی بهبودی داریم و خواهان تشدید مبارزه برای آزادی همه بازداشت شدگان هستیم.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۱۵ آذر ۱۳۹۸ - ۶ دسامبر ۲۰۱۹

اعتصابات متحد کارگری، بدون رهبری کردن کل اعتراضات از سوی رهبران کارگری و سوسیالیست، نمیتوانیم پیروزی را از آن خود کنیم؟ با دست خالی و بدون سازمان و شکل و حزب رزمنده نمیتوانیم فقط با اتکاه صرف به اعتراضات خیابانی یا آنطوری که گفته میشود "طبقه کارگر باید در به پیروزی رساندن جنبش سرنگونی نقش ایفا کند" کار جمهوری اسلامی را یکسره کنیم و یک جامعه آزاد و برابر و سوسیالیستی را مستقر کنیم! اینکه گویا باید طبقه کارگر به "جنبش سرنگونی کمک کند" یک ادعای پوچ سیاست بورژوائی است! برعکس، همه جنبشهای دیگر انقلابی را در کمک به عروج و پیشروی جنبش کارگری به عنوان پیشرو ترین و انقلابی ترین طبقه باید تشویق کرد. این اساس تفاوت ما کارگران و کمونیستهای راستین جنبش با جریانات راست و پوپولیست چپ نما که سیاستشان بر موج سواری و همه باهم کردنها استوار است، میباشد.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران در دومین روز اعتراض بر حق جامعه ضمن حمایت کامل از معترضین آنها را فراخوان داد که: "برای پیروزی نهایی بر جمهوری اسلامی، نه فقط در این اعتراضات جاری، بلکه در همه وجوه مبارزه ما کارگران، زنان، زحمتکشان، فرهنگیان، دانشجویان و جوانان کشور باید به پرچم و شعار و مطالبات رادیکال و سوسیالیستی روی آورد، باید به ایجاد صف متحد و مستقل کارگری- آزادیخواهی، و بیش از پیش به سیاست و رهبری و آلترناتیو سوسیالیستی روی آورد. بدون چنین صفتبندی روشن و رویکردی هیچ سطحی از مبارزه و اعتراض کارگری و آزادیخواهانه نه در ایران و نه در هیچ کشور دیگری به جای نخواهد رسید!" بدین ترتیب اعتراضات آبانماه نیز با وجود همه حقانیتی که داشت نشان داد که این اعتراضات باید به چنین سیاست و سازمان و رهبری و آینده ای روشنی متکی شود تا راه پیشروی خود را هموارتر نماید و قادر باشد تا کل نظام جمهوری اسلامی را افسار بزند!

یکی دیگر از درسهای گرانمای این حرکت اعتراضی پرهیز از سیاستهای عوامفریبانه "همه با هم" کردنها و روی آوری به سیاستهای مستقل طبقاتی- سوسیالیستی ما است! هیاهوی احزاب و جریانات راست و چپ مبنی بر "مردم متحد شوید" هم میهن متحد شوید"، زنده باد جنبش همگانی سرنگون طلبانه" و غیره، یک سیاست غیر پیشبرنده، سیاست و حربه بورژوازی، و سیاست غیر کارگری و ضد سوسیالیستی است که نتیجه نهائی آن تکرار رویداد انقلاب ۵۷ است که در آن یک مستبد شاه شیعه مسلک بی ریش و پشم و با تاج و تخت را بیرون کردیم، یک مستبد اسلامی- شیعه مسلک و مرتجعتر دیگری با امامه وبا ریش و پشم را به ما تحمیل کردند. این سناریو را به هیچ وجه نباید تکرار کرد؟ یکی از آزمونهای مهم اعتراضات آبانماه این بود که بار دیگر نشان داده شد که تنها با شعار دادن و انقلاب انقلاب و زنده باد مردم کردنها و یا اینکه باید از "خشونت پرهیز کرد" نمیشود کار این رژیم هار و فاسد و آدمکش را به سر انجام رساند و سرنگونش کرد. تشکل کارگری، سازمان و حزب انقلابی و سوسیالیست، سازماندهی واحدهای مقاومت انقلابی و میلیس مسلح نوده ای و تامین رهبری جسور، صادق و سوسیالیست و ضد سرمایه داری شاخصهای اولیه پیشروی و پیروزی جنبش ما است، و راه سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، رفاه، امنیت!



جامعه در چنگال ویروس کرونا و ویروس جمهوری اسلامی

سلام زیگی

این حکومت ضد انسانی در زمانی که مشغول بساط انتخاباتی مضحک خود بود، که در آن شکست هم خورد، و در دوره ای که سرگرم مراسم های ارتجاعی خود بودند، درست در این دوره بود که فاجعه ای این ویروس در ایران آشکار شد اما نه تنها به آن اهمیت ندادند و از همان روز اول انکار کردند تا پروژه های خود را دنبال کنند، بلکه آمارهایی ضد و نقیض را به جامعه نیز تحویل دادند. یک مشت آدم مفتخور و ارتجاعی و خرافی را حواله می میداند و مراکز حماقت مذهبی کردند که از راه اقدامات مذهبی و شفا دادن احمقانه مذهبی و خرافی با چنین پدیده هایی مقابله کنند! اما خود را همزمان چون موش در سوراخ بیت رهبری و کاخ رییس جمهوری قایم کرده بودند و از ترس کرونا در مکان عمومی ظاهر نشدند. درست در این شرایط به مردم گفتند بروید سر کار، بازارها را دایر کنید، و مراکز آموزشی را نیز بازگشایی کردند.

همچنانکه که اشاره شد با فاجعه انسانی بزرگی روبرو هستیم، نباید به جان خود و هموعان خود بی توجه بود و این موضوع را جدی نگرفت. نباید اجازه داد جمهوری اسلامی و نهادهایش از این فضای رعب و وحشت نیز به عنوان نعمت الهی برای پیشبرد اهداف ضد انسانی شان بیش از این بهره ببرند. نباید تحمل این همه گرانی و بالا رفتن روز افزون هزینه های سرسام آور زندگی بود، و در مقابل چشمان ما هر روز صدها نفر را ساکت و آرام به گام مرگ بفرستند، و اجازه بدهیم همچنان این نظام از زیر بار مسئولیتش شانه خالی کند. اخیرا با پخش اخباری از بیمارستانهای تبریز فاجعه سو استفاده مافیایی دولتی از فروش اعضای بدن افراد مبتلا به کرونا و حتی کشتن عامدانه افراد وجدان هر انسان با وجدانی را به درد خواهد آورد. بنا به گفته یکی از کارکنان در بیمارستان بعد از مراجعه یک دختر جوان مبتلا به کرونا روز بعد خیر مرگ او را به خانواده اش داده میشود، اما قبل از به خاک سپردن متوجه میشوند این جنازه دختر آنها نیست، بلکه جنازه یک زن مسن دیگری است که بجای دختر شان به آنها تحویل داده شده است، و این رویداد هولناک پرده از گشتن عمد و فروش اجزا بدن او به مافیای دولتی و اسلامی برمیدارد. پذیرش این نوع جنایات و از کنارش رد شدن هزار بار مرگ آور تر از مبتلا شدن به ویروس کرونا برای ما شهروندان است.

وظیفه ی فوری و مستمر ما فشار آوردن به جمهوری اسلامی و تلاش برای تعطیل کردن همه ی مکان هایی که میتواند جلو شیوع ویروس را بگیرد است، تعطیل کردن مکان های عمومی و مضحکه های مذهبی از مساجد گرفته تا نماز جمعه ها و اینکه اجازه نداد این ویروس مذهبی موجب گسترش ویروس کرونا نیز شود و جامعه را بیش از پیش قربانی کنند.

ادامه

فاجعه ای که اکنون به اسم کرونا دامن جامعه را فرا گرفته است، به دلیل بی ارزش بودن جان انسان نزد مقامات و دولتهای حاکم بورژوائی هر روز فاجعه آمیز تر میشود. در ایران همانطور که همه شاهد هستیم با مرگ و میر روزانه ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر، عملا به کشتارگاه انسانها تبدیل کرده اند. به جای هزینه کردن در جهت کاهش درد و رنج ناشی از این اپیدیمی، همواره شاهد چرندیات خامنه ای و روحانی و حسین سلامی ها حول مسائل بی ربط به منفعت و زندگی و امنیت شهروندان، و به منظور مهندسی کردن افکار عمومی به هدف به فراموشی یا حاشیه ای کردن این همه درد و رنج و فقر و گرسنگی هستیم. تا از این طریق هم خطر تعرض به خود را کاهش دهند و هم اولویتهای ارتجاعی خود را به مشغله و به "منافع مردم" تبدیل کنند. بر این بستر بجای رایگان کردن دارو و کاهش هزینه های سرسام آور پزشکی برای شهروندان و بیماران کرونایی، باز هم میبینیم نه تنها مافیای جمهوری اسلامی از امکانات پزشکی و نیازمندیهای اولیه شهروندان سود کلان به جیب میزند و دزدی میکنند که حتی بحث در باره فروش اعضای بدن بیماران به یک فاجعه درد آور تبدیل شده است. درست در این شرایط سخت و نهایت بی مسئولیتی مقامات جمهوری اسلامی از نو شاهد "موشک" بازیهای نظامی و دیگر بازیهای زود هنگام مضحکه "انتخابات"ی و دیگر هیاهوهای منطقه ای و بین المللی هستیم، که همزمان در کنار چپاول و دزدی ثروت و دستمزد دهها میلیون انسان همواره در تدارک گسترش ملزومات مقابله خونین امیز تر با اعتراضات شهروندان در تحولات پیش روی "هم میهنان" شان هستند.

واقعیت این است این حکومت فاشیست خودش ویروس کشنده ی است که چهل و دو سال است به جان مردم ایران افتاده و در قبال جان شهروندان هرگز احساس مسئولیتی از خود نشان نداده است. از سوی اعلام "جریمه نقدی" برای افرادی که ماسک حمل نکنند صادر میکنند، اما خود همواره گله وار مناسک مذهبی شان را برگزار کردن و همچنان ادامه داده و با تحمیل فقیر و حشمتناک به اکثریت جامعه، مردم را مجبور به روی آوردی به هر کاری برای امرار معاش کرده اند. "من آرزو دارم بمیرم این حکومت و مسئولین را نبینم" پاسخ شهروندی به یکی از خبرگزاریهای رژیم در جریان نظر خواهی و در مقابل دوربین بود!، این عمق انجزار از بی مسئولیتی این نظام در قبال جان شهروندان را نشان می دهد.

جمهوری اسلامی نه در دوران فجایع زلزله که بارها گریبان مردم ایران را گرفته، نه در فاجعه های سیل و دیگر موارد هیچ هزینه ای برای حل این معضل ها اختصاص نداده است. هنوز هم زلزله زدگان و سیل زدگان چندین سال قبل بدون جا و مکان وامکانات هستند. ازین رو به نظر من نباید انتظار عجیبی از یک حکومت فاشیست که هیچ مسئولیتی را در قبال شهروندان خود قبول نمیکند داشت.

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

جامعه در چنگال ویروس کرونا و...

شرایط بسیار سخت و بحرانی در ایران حاکم است

سحر صحرایی

در مورد وضعیت مردم چه از لحاظ معیشتی و مالی و چه از لحاظ روح و معنوی زیر صفر هستند. فقر اقتصادی و فقر فرهنگی بیداد می کند مردم را از پایی درآورده است. به دلیل بی لیاقتی و بی مسئولیتی و دزدی و چپاول دست اندر کاران رژیم زندگی مردم به فقر و فلاکت و بدبختی کشیده شده است. بیکاری معذل جامعه شده کار فقط برای عده ای که تحت پوشش رژیم هستند وجود دارد و برای بقیه مردم ایران کار و امکاناتی و امتیازات نیست. تا قبل از آمدن کرونا وضعیتی اسف بار داشتیم. نبود کار و مایحتاج روزانه و امرار معاش مردم را عاصی کرده بود زندگی را برای مردم زجر آور کرده بود. با آمدن ویروس کرونا زندگی و کار و درآمد مردم مخصوصاً طبقه کارگر و زحمتکش بی نهایت در فقر و فلاکت بیشتر فرو رفته است. حداکثر ۶ میلیون کارگر از کار بیکار شده اند و شامل بیمه هم نیستند تا بتوانند از بیمه بیکاری استفاده کنند. بیکار و بی درآمد و بدون این که بتوانند درستی به زندگی بخور نمایند داشته باشند. کارگران از هر گونه امتیاز زندگی محرومند. اکثراً مستاجر هستند و با وجود تورم و گرانی نمی توانند جواب گوی زن و بچه هایشان باشند.

کرایه خانه بیداد میکند گرانی اجناس، گرانی مواد غذایی و پوشاک مردم را از پای درآورده و برای تامین مایحتاج زندگی خود و فرزندانشان درمانده شده اند. کار به جایی رسیده که از فشار بیکاری و ناامیدی دست به خودکشی می زنند یا پدر از شرمندگی و ناتوانی دست به خودکشی میزند یا نوجوانان از فرط فقر و ناامیدی خودکشی می کنند. کارگران از پوشش بیمه و بیمه بیکاری محروم از شدت فقر دست به تحصن و اعتراض و اعتصاب غذا زده اند ولی بی جواب مانده. جواب رژیم به کارگران گلوله، زندان، شکنجه، توهین و تحقیر،،، اخراج از کار است. کولبران زحمتکش و فلاکت زده که برای مقدار پولی ناچیز آن همه رنج و سختی را در کوهستانها و دره ها تحمل میکنند به رگبار می بندند. این چه دینی است این چه قانونی است که با کارگر و فقرا و زحمتکشان اینگونه رفتار می کنند؟؟ و این چه قانونی است که دزد زاده ها در بلاد کفر با پول مردم زندگی راحتی داشته باشند اما قشر زحمتکش در عذاب و فلاکت زندگی کنند. عیش و هرزگی برای دزد زاده ها و حجاب و مشقت برای مردم زجر کش زحمتکش---

لازم است فوری در سطح عمومی و تخصصی برای کمک رسانی، برای یخش رایگان نیازمندیهای پزشکی و بهداشتی و دادن آگاهی درست به مردم اکیب های داوطلبانه سازماندهی کرد. باید کمپین های متعدد برای ماندن در منزل، تعطیلی مراکز کار و پرداخت هزینه ماندن در منزل از جانب دولت راه انداخت. در هر جاهای که از تامین این نیازمندیها خودداری گردد، هر گاه متوجه شدیم دولت و هر نهاد و شرکت و فرد سرمایه داری در حال انبار کردن مایحتاج و امکانات پزشکی است، و میخواهند از این راه ضد انسانی نیز کسب سود کنند، با یورش همزمان و سازمانیافته اقدام به مصادره آنها کنیم و به طور رایگان و منظم در اختیار جامعه و مبتلایان به بیماران قرار داده شود. اکنون بهترین کار در این موقعیت رایگان اعلام کردن تمام معاینات و در اختیار قرار دادن امکانات پزشکی است. هیچ مرکز دولتی و پزشکی و دارو خانه ای نباید از مردم پول بگیرند! این حق بديهی هر انسان بیماری است به طور رایگان معالجه بشود. در هر حال با این اقدامات میشود يك حرکت اجتماعی را بوجود آورد. جامعه باید از خود محافظت کند، و بتواند با گسترش این ویروس مقابله نماید، و به دولت ویروس جمهوری اسلامی فشار آورده و امکاناتی که لازم است را از حلقومش بیرون کشید و در اختیار جامعه و بیماران قرار داد.

عادی نشان دادن این فاجعه بزرگترین مخاطره برای جامعه و بزرگترین کمک به دولتهای جنایتکاری است که نه تنها از زیر بار مسئولیت شانه خالی میکنند که نفس این فاجعه را هم به گسترش ثروت و سود اندوزی تبدیل کرده اند. همچنانکه آمارها در همه کشورهای حاکم سرمایه داری نشان میدهد، دولتها و سرمایه داران در این فاجعه هولناک نه تنها چیزی از دست نداده اند که از راهای متعدد چند برابر بیشتر از دوره پیشا کرونا به ثروت خود نیز افزوده اند.

راهی بجز مقاومت و مبارزه پیش روی ما قرار ندارد. باید برای تندرستی و زنده ماندن مبارزه کرد، باید علیه نظام سرمایه داری و دولتهایشان به عنوان دشمنان درجه اول آزادی و امنیت و خوشبختی و رفاه و تندرستی اکثریت عظیم شهروندان با قاطعیت و اتحاد به پا خواست و سرنگونشان کرد. به این امید که بتوانیم بر این فاجعه در ایران و جهان فایق بیاییم. و همه به زندگی عادی و روزانه ی اجتماعی خود برگردیم و بتوانیم از جمله در ایران حول انجام وظایفهای میرم خود علیه دولت سرمایه داری و ویروس پرور و آدمکش حاکم اسلامی و دیگر جنایتکاران مشابه تمرکز پیدا کنیم و کارشان را برای همیشه یکسره کنیم و به گورشان بسپاریم.



iransocialist2017@gmail.com
www.simroz.org



حزب سوسیالیست انقلابی ایران، حزب طبقه کارگر، حزب جنبش رهایی زن، و حزب جوانان پرشور و انقلابی و همه انسانهای مبارز و سوسیالیست است. نیاز واقعی جامعه ایران و ضرورت سازماندهی مبارزه سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ملیتانت علیه وضع موجود و برای سرنگونی نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی ضرورت اولیه سازماندهی چنین حزبی را برای جنبش ما ایجاد کرده است. در هر جایی که هستیم چه به شیوه فردی چه با تشکیل محافل و گروههای مورد اعتماد خود به عضویت حزب سوسیالیست انقلابی در بیایید، و فعالیت متشکل و متحد به منظور به پیروزی رساندن صف آزادی و برابری و سوسیالیسم مبارزه خود را آغاز کنید و با حزب تماس برقرار نمایید. حزب سوسیالیست انقلابی ایران همه کارگران و زحمتکشان، همه مبارزان راه آزادی و برابری را به پیوستن به صفوف خود فرامیخواند!

زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی!، زنده باد سوسیالیسم!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعتیاد ابزار ارتجاع حاکم برای سرکوب خاموش جامعه

آذر کیمیا

تصاعدی خواهد داشت بخصوص در سایه جمهوری اسلامی که خود از بزرگترین توضیح کنندگان مواد مخدر در سطح جهان است. آمارها نشان میدهد که افغانستان ۷۴ درصد خشکاش جهان را تولید می کند و با توجه به اینکه ایران به عنوان گذر گاه مهم عبور مواد مخدر و تغذیه کننده جهان محسوب می شود نقش ارگانهای حکومتی از جمله سپاه پاسداران در این تجارت غیر قابل انکار می شود طبق گزارشات ویکیلیس در پی دستیابی به اسناد سری وزارت خارجه امریکا از نقش جهانی سران رژیم در قاچاق مواد مخدر پرده برداشته است. در اخبار منتشر شده توسط ویکیلیس نوشته شده در آمد سپاه پاسداران از قاچاق مواد مخدر به اروپا بالغ بر چندین میلیارد یورو است. بر اساس این اسناد مواد مخدر توسط ایران به آذربایجان منتقل می شود و از آن جا به اروپا صادر می گردد.

در داخل کشور نیز اعتیاد و قاچاق مواد مخدر روز به روز ابعاد وسیعتری بخود گرفته و دلالتان مواد مخدر در سایه حمایت جمهوری اسلامی عرصه جامعه را به بازار بزرگ خرید و فروش و مبادله مواد مخدر سنتی و صنعتی تبدیل کرده اند. هزاران خانواده بهم ریخته اند، هزاران خانواده دیگر با یاس و ناامیدی قربانیانی از این بیماری را در جمع خود دارند و هزارها خانواده نیز نگران آنند که در سایه اقتصاد ورشکسته و بحران زده رژیم جمهوری اسلامی دیو اعتیاد زنگ خانه آنها را بصدا در می آورد. اعتیاد ضمن اینکه خود یک مصیبت عظیم اجتماعی است عواقب خانمانسوز دیگری مثل دزدی فحشا خود فروشی خود کشی مرگ در خیابان و حتی فروش کو دکان معصوم به منظور تامین مخارج اعتیاد و غیره را به دنبال دارد. بازار بچه فروشان به خرید و فروش گسترده کودکان در دروازه غار تهران اشاره کرده است.

در این گزارش آمده این بازار مانند وال استریت است با این تفاوت که این جا با بچه تجارت می کنند از صد هزار تومان تا پنج میلیون تومان قیمت کودکانی است که بنا بر این گزارش در دروازه غار خرید و فروش می شوند یکی از مسائلی که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی از همان بدو موجودیت خود همیشه برای "ریشه کن" ساختن آن به انواع و اقسام شیوه ها توسل بسته مسائله مواد مخدر بوده است. آنچه مسلم است جمهوری اسلامی با قانون و بی قانون تا کنون هزارا نفر را به جرم اشاعه اعتیاد به جوخه های اعدام سپرده است اما علیرغم این اعدامها و کشتارهای بی محابای سران رژیم نه تنها اعتیاد از میان نرفته بلکه دامنه هر چه مخرب تر و گسترده تر ی نیز یافته است. بهمین دلیل نمی توان گفت که افزودن تعداد اعدامهای معتاد به مواد مخدر موجب کاهش این افراد و حل چنین معضل اجتماعی می گردد، بر عکس از آنجا که هم از نظر مادی و هم سیاسی خود رژیم نیاز به گسترش اعتیاد دارد در به راه انداختن بساط اعدام خود در گسترش آن دست دارد.

اعتیاد پدیده بسیار ویرانگری است که در جامعه ایران بدون توقف در حال قربانی گرفتن است. طبق آمارهای رسمی، که معمولا دوبرابر کمتر گزارش داده میشود ابعاد وحشتناک عوارض اعتیاد و حواشی ناشی از آن چنین است: همسر ازاری ها ۵۵ درصد طلاق ها، ۳۰ درصد کودک ازاری ها، و ۲۵ درصد جرایم قتل با منشأ اعتیاد رخ می دهند. ۵۷ درصد معتادان ایران تخصص دارند، افزایش گرایش زنان به مواد مخدر در ایران در حال حاضر ۵۸ درصد، و معتادان کشور در سنین ۱۵ تا ۳۴ قرار دارند. رشد اعتیاد زنان در زندان که قبلا ۵ درصد بود در حال افزایش و نزدیک ۱۰ درصد است. هر روز دست کم ۸ نفر در ایران قربانی مصرف مواد مخدر می شوند. ۹۲ درصد مردم اعتیاد را اولین آسیب و جدی ترین آن در جامعه دانسته و متأسفانه آمارها نشانگر حرکت پیش رونده اعتیاد در جامعه است.

میزان مصرف سالانه مواد مخدر در ایران ۵۰۰ تن اعلام کرده اند. میزان ابتلای زنان به اعتیاد شدیداً رو به افزایش و سن اعتیاد زنان و دختران شدیداً رو به کاهش است. سن اولین مصرف مواد در اکثریت دختران سنین دبیرستان است. حدود ۱۵ درصد از معتادان کشور را زنان تشکیل می دهند حشیش و کوکائین در تهران برای برخی از طبقات زنان و دختران به سبک زندگی تبدیل شده است. مسئله اعتیاد زنان موضوع مهمی است که بیش از ۲۱ درصد معتادان کشور تحصیلات دانشگاهی دارند. ۶۳ درصد آن ها متأهل و ۵۳ درصدشان شاغلند. ۵۵ درصد طلاق ها نیز ناشی از اعتیاد هستند. تعداد زنان معتاد در ایران ظرف چهار سال دو برابر شده است.

۴ میلیون و پانصد هزار نفر آخرین آمار رسمی معتادان ایران است، که به نقل از گفته های سردمداران رژیم در مطبوعات حکومتی ذکر شده. با توجه به اینکه سردمداران رژیم ارتجاعی حاکم بر کشورمان آمار و ارقامی دقیق و درست در خصوص آسیب های اجتماعی که خود مسبب آنها بوده اند هرگز ارائه نمی دهند تعداد معتادان به مواد مخدر بیش از اینها میباشد. ارائه این آمار در حالی است که جمهوری اسلامی تا کنون هزارها انسان را به جرم پخش مواد مخدر حلق اویز و یا اعدام کرده است اما اعتیاد به انواع مواد مخدر و روانگردان سنتی و صنعتی همچنان در ایران رو به گسترش است و این نشان می دهد که اولاً اعدام وحشیانه انسان راهی برای توقف آن نیست و ثالثاً خود رژیم از وجود گسترش صف معتادان در کشور هم از نظر مادی و هم سیاسی همواره بهره برده است.

مادام که مردم و به ویژه نسل جوان در سایه حاکمیت رژیم اسلامی جز تیره بختی هیچ چشم اندازی برای آینده خود نمی بینند رواج انواع مصائب از جمله اعتیاد و فحشا و جنایت سیر

ادامه

مرگ بر سرمایه داری!، مرگ بر جمهوری اسلامی!

اعتیاد ابزار ارتجاع حاکم برای ...

آنچه که بایستی به آن فکر کرد این است که روزانه هزاران تن مواد مخدر چگونه پخش می گردد و چگونه و از جانب چه نهاد و ارگان قدرتمندی تولید می گردد و پخش می شود؟. واقعیت این است که جمهوری اسلامی از ابتدای بقدرت رسیدنش منشأ گسترش و اشاعه تمامی اعمال نفرت انگیز و زشت نظام سرمایه داری انهم در اشکار ترین شیوه ممکن بوده که مواد مخدر نیز به عنوان یکی از ابزار های سیه روزی توده های مردم و اسارت آنها از جانب نظام سرمایه داری ایران که جمهوری اسلامی بعنوان رو بنای سیاسی آن به شمار می رود ارزیابی می گردد. رژیم ارتجاعی و جنایتکار جمهوری اسلامی از همان ابتدای قبضه کردن قدرت به فتوای خمینی برای تامین مخارج نظامی به قاچاق مواد مخدر مشغول گردید و سراسر کشور از پخش ارزان مواد مخدر به عنوان ابزاری علیه جوانان استفاده کرد. واقعیت این است که باند های اصلی تولید مواد مخدر و قاچاق آنها نه تنها در داخل کشور بلکه صدور آن به اقصی نقاط جهان هم دست اندر کاران خود جمهوری اسلامی هستند. همه شواهد حاکی از آن است که تولید مواد مخدر و فروش آن یکی از منابع درآمد عظیم جمهوری اسلامی است. بیهوده نیست که در همه کشفیات مامورین جمهوری اسلامی باند های گرداننده چرخ تولید این مواد همیشه مجهول باقی میماند و تنها تولید و توزیع مواد مخدر همچنان ادامه می یابد و بر انبوه قربانیان روز به روز افزوده می شود.

ما میتوانیم اگر اینبار به جای جنایتکاران شاه و شیخ ملیگرا و اسلامی، به جای پنا بردن به خرافات ضد انسانی مذهبی و ملی گرایانه، به جای افتخار به پرچم کثیف و خونین نرسالاری، و بجای سرایدن سرود های ضد انسانی- فاشیستی "مرز پرگهر" فارسی زبان، یا "یاشاسین آذربایجان" ترکی زبان، یا "که س نه لی کورد مردوه" کردی زبان، به انسانیت و به حق برابر شهروندی خود، به پرچم انسانی و سرخ رهاییبخش انترناسیونال، و به صف مستقل طبقه کارگر و زحمتکش و به آرمان سوسیالیستی متکی باشیم و برای ایجاد یک نظام شورائی-سوسیالیستی با هم بجنگیم. فراخوان "اتحاد" ما برای تحقق این امر سرنوشت ساز است، نه "آشتی" دادن کارگر و سرمایه دار، نه سازش طبقاتی بین استثمارگران و استثمار شوندهگان، یا تامین "اتحاد" بین صفوف انقلابیون و ضد انقلابیون!، نه!، این کار مرتجعین و عوامفربان بورژوا و راست و پوپولیستهای عوامفرب است نه کار کارگر و سوسیالیسم و حقیقت گویان. تنها راه رهایی ما از دست جمهوری اسلامی و نظام فاسد سرمایه داری حاکم بر کشور، با احزاب داخل و خارج کشوری اش، و تنها راه پایان دادن به هر شکلی از ستم و نابرابری و تبعیض و فقر و جنگ و جنایت، انتخاب پرچم آزادیبخش طبقه کارگر، پرچم سوسیالیسم، و پیوستن به احزاب شبیه ما است!

ضروری است که حول مهمترین شعارها و مطالباتی که ماهیت، هویت و هدف مبارزه انقلابی طبقه کارگر، جنبش آزادیخواهانه زنان، جوانان، فرهنگیان و کارکنان مترقی، دانشجویان و دانش آموزان چپ و سوسیالیست و توده های گسترده زحمتکش جامعه را نمایندگی میکند متحدانه به میدان آمد و در سراسر کشور آنها را پخش و باز تکثیر نمود، اهم آنها عبارتند از:

"زندانیان سیاسی آزاد باید گردند"، "آزادی برابری حکومت کارگری"،
"زنده باد برابری زن و مرد"، "نه به اعدام، شلاق، زندان و سرکوب"،
"نه به فقر و فساد و استثمار"، "نه به نیروی های مسلح حرفه ای و ضد مردمی ارتش و سپاه و بسیج و اطلاعات و غیره"، "نه به جمهوری اسلامی، نه به قلدری امریکا، نه به تحریم اقتصادی"،
قومی نه اسلامی نه فدرالی نه سلطنتی، مرگ بر جمهوری اسلامی"،
"دست مذهب از زندگی مردم، دولت و آموزش و پرورش کوتاه!"،
"آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی و تشکل و تحزب"، "آزادی بدون قید و شرط ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت"،
"پرداخت فوری دستمزد بالای زبر خط فقر به کارگران و مزد بگیران"
"ممنوع شدن اخراج و بیکار سازی کارگران و مجرم دانستن عدم پرداخت به موقع دستمزد به کارگران"، ممنوع بودن هر شکلی از کار **کودکان**، "پرداخت بیمه بیکاری فوری برای همه افراد بیکار شده و آماده بکار"، "زنده باد آزادی، برابری، رفاه و امنیت"، "زنده باد جمهوری سوسیالیستی، مرگ بر جمهوری اسلامی" "زنده باد حزب سوسیالیست انقلابی ایران"، "مرگ بر سرمایه داری"، "زنده باد سوسیالیسم"...

دلیل این امر در این است که قاچاق مواد مخدر نیز مثل تمامی مواردی از این قبیل در دست باند های خود جمهوری اسلامی است. در عالم واقع جمهوری اسلامی نه تنها نمی خواهد بر علیه مواد مخدر مبارزه کند بلکه گسترش و اشاعه مواد مخدر را به عنوان یکی از ابزار های حاکمیت ننگین خود و سرمایه در سیه روزی توده های مردم و اسارت آنان لازم میدانند. تنها با مرگ چنین حاکمیت ضد انسانی و مرگ و سقوط نظام سرمایه داری و محو استثمار و منفعت طلبی بی حد و حصر سرمایه داران و حامیان آنها است که نسل انسان از قید و بند هزاران مصیبت اجتماعی از جمله اعتیاد، که زندگی او را تهدید می کند، آزاد خواهد ساخت. آنزمان است که انسان استثمار نخواهد گشت و خود صاحب دسترنج خویش خواهد گردید و غارت و دزدی معنی خود را در جامعه از دست خواهد داد و رفاه و سعادت و برابری و آزادی به یک امر همگانی تبدیل خواهد شد. پیش به سوی نظام سوسیالیستی!

لطفا برای تماس مستقیم با دبیرخانه حزب

سوسیالیست انقلابی ایران تنها با این آدرس

تماس حاصل کنید

Iransocialist2017@gmail.com

ننگ و نفرت بر نظام سرمایه داری با دولت و احزاب و حامیاناش!

جایگاه نیروی مسلح برای حزب سوسیالیست انقلابی

کامران.م

با اعدام بی گناهان و تیرباران فعالین نیروهای سیاسی در زندانهای مخوف خود به کشتار پرداخته است، پس ما در ایران با رژیم معمولی سرو کار نداریم و آنها را هم که فکر میکنند با زبان خوش میشود این رژیم را انداخت ۴۰ سال تجربه نشان داد آنها هم به خود و هم به مردم دروغ گفته اند. همه تاریخ این رژیم، از کشتار دسته جمعی در سال ۶۱ تا ۶۷، و از سال ۵۷ تا امروز گویای سیستم حاکمیت جنایتکارانه یک رژیم تا دندان مسلح است، و این واقعیتها، واقعیت ضرورت سازماندهی مبارزه جدی توده ای، کارگری، سیاسی و اجتماعی را تاکید میکند و همچنین بر مبرمیت تلاش برای شکل دادن به خلا مهم دیگر، یعنی نیروی مسلح انقلابیون و شروع مبارزه قهرآمیز علیه چنین نظام وحشی را در مقابل ما قرار داده است. بدون چنین اقدام و تلاشی جمهوری اسلامی همچنان باقی می ماند و همچنان به جنایت و کشتار و سرکوب و دزدی هایش ادامه خواهد داد.

اتحاد و همبستگی مردم آزاده را در ایران مشاهده کردیم که چگونه به یاری همنوعان زلزله زده خود شتافتند و با این همبستگی بار دیگر روی سیاه رژیم سرمایه داران اخوندیسم را سیاه تر کردند. اگر همین مردم رنج دیده و تلاش همگانی در میدان نبرد با رژیم اسلامی و از جمله در جهت سازماندهی نیروی مسلح خود که حامی و مدافع تودها و آزادی و رفاه و امنیت آنها است به حرکت در بیاوریم، میتوانیم این ضرورت مهم صحنه سیاست ایران و مبارزه برای سرنگونی رژیم را به یک واقعیت تبدیل کرده و به آینده پیروزی خود بر رژیم توحش اسلامی و تروریست بیش از پیش خوشبین تر و امیدوارتر بود.

پیش به سوی نیروی مسلح انقلابی،
پیش بسوی ایجاد واحدهای مقاومت انقلابی
مرکز پر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم

حزب سوسیالیست انقلابی ایران در سند مصوب که دارد به روشنی به علل ضرورت سازماندهی نیروی مسلح انقلابی برای مقابله با رژیم هار اسلامی و دیگر مخاطراتی که بی تردید سر راه مبارزه ما برای سرنگونی رژیم اسلامی حاکم بر ایران قرار دارد، به این پرسش مهم پاسخ داده است. در این چهار چوب من نیز در حمایت از یک نیروی توده ای مسلح کارگران و زحمتکشان که لازم است تحت سیاستها و رهبری حزب سوسیالیست انقلابی ایران سازماندهی شود به نکاتی اشاره میکنم.

در نگاه نخست وقتی به انقلابهای کشورهای مختلف نظری می اندازیم می بینیم که هیچ انقلابی علیه استبداد و حاکمیت سرمایه داران بدون قدرت مسلح توده ای نیروهای انقلابی به پیروزی نرسیده است. تجربه ایران هم نشان داد اگر در سال ۵۷ یک نیروی جدی سوسیالیستی مسلح با احزاب و سیاست رادیکال انقلابی و سوسیالیستی وجود میداشت جمهوری اسلامی نمیتوانست به آسانی با زور اسلحه خود را به آن انقلاب تحمیل نماید. آیا شرایط کنونی کشور ایران شرایط مناسبی برای سازماندهی مبارزه مسلحانه با تاکتیک صحیح و انقلابی می باشد؟ آیا اکنون در استانه شروع "مبارز مسلحانه" هستیم تا همراه با عرصه های مبارزه سیاسی توده ای و طبقاتی علیه نظام حاکم وارد عمل شویم؟ و...

همه سوالات موجه ای هستند که بی تردید حزب سوسیالیست انقلابی به آن توجه دارد و در پایان سند مصوب خود نیز اعلام نموده است هر گاه تصمیم عملی در این زمینه بگیرد علنا اعلام خواهد نمود. اما صورت مسئله اکنون بر ضرورت آماده سازی چنین نیاز و ابزار برای زمان مناسب خود است که نباید از ضرورت آن تردید داشت.

در حال حاضر لزومی نمی بینم وارد جزئیات بیشتر این مسئله بشوم. اما پای فشاری به حقانیت اینکار و ضرورت ایجاد نیروی مسلح الزامیست. بنظر من ضروری است جوانان زیادی از همین امروز با حزب سوسیالیست انقلابی تماس بگیرند و برای سازماندهی خود در این عرصه اعلام آمادگی نمایند. دست بردن به این عرصه الزامی است چون ما دشمن خود را، که دشمن کارگر و زن و آزادی است بخوبی میشناسیم و میدانیم که دارای چه ظرفیتهای وحشیانه ای در کشتار و بی رحمی و خشونت و خونریزی است.

رفقا! همه خوب می دانند که جمهوری فاشیست اسلامی در طی چهل سال نه اینکه خواست بر حق مردم را نداده، بلکه با زبان کشتار و زندانی کردن و تفنگ جواب هر خواست کارگری را داده است. با زور اسلحه و قانون اسلامی اش زنان را به حاشیه رانده است و آزادی و آرزوی نسل جوان را به تباهی کشانده و میلیونها انسان را به فقر و بیکاری و اعتیاد و غیره مواجه کرده تا بتواند به حاکمیت نظامی-اسلامی و قلدری خود ادامه دهند.

**زنده باد واحدهای
مقاومت انقلابی!
مرگ بر جمهوری
اسلامی!**

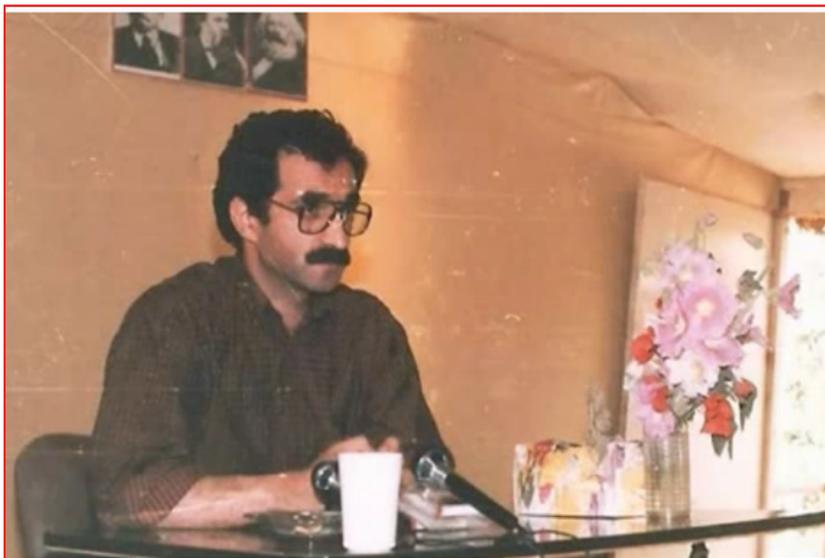
آدرسهای تماس:
Iransocialist2017@gmail.com
S_zijji@yahoo.se

شوخیسم و ملی گرایی و اسلام دو روی سکه یک طبقه و جنبش ارتجاعی اند!

گرامی باد یاد کمونیست برجسته و محبوب جعفر شفیعی

بازتکثیر

سلام زیجی



جعفر شفیعی (دکتر جعفر) از زمره رهبران کمونیستی بود که نقش برجسته و پر شور او در تاریخ جنبش کمونیستی ایران و کردستان ثبت شده است. دکتر جعفر مارکسیست و مدافع سر سخت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و منتقد جدی خرافات و عقب افتادگیها و مبارز پیگیر علیه حکومت های بورژوازی و ضد کارگری پهلوی و جمهوری اسلامی، علیه حزب دمکرات و بورژوازی کرد و ناسیونالیسم و قوم پرستی بود. جعفر شفیعی از رهبران کومله و حزب کمونیست آن زمان بود که تمام زندگی خود را صرف مبارزه طبقاتی و کمونیستی ورهائی انسان کرد و در این مسیر اعتبار و محبوبیت وسیع اجتماعی کسب کرده بود.

رفیق جعفر از برجسته ترین مروجین و مبلغین کمونیستی بود که با زبان ساده و شیوای خود درد و

رنج و ستم اعمال شده بر طبقه کارگر، زنان و تهیدستان جامعه را بیان میکرد و مورد توجه همه قرار میگرفت. ناسیونالیسم و مذهب و "خلق گرایی" و روایت های غیر مارکسیستی از مبارزه طبقاتی و کارگری را نه تنها نمی پذیرفت که خود این پدیده ها و خرافات و مفاهیم را به عنوان عارضه و پلانترم سیاسی و آرمانهای بورژوازی به منظور تحمیق و سرکوب و به بیراه بردن طبقه کارگر میدانست و نقد میکرد و با روشن بینی و جسارت کم نظیر در نوشته ها، سخنرانی ها و برنامه های رادیونی اش بر علیه آنها صحبت میکرد و توده کارگر و زحمتکش را به اتحاد و خود آگاهی طبقاتی فرا میخواند.

جعفر شفیعی نمونه برجسته یک کمونیست انقلابی و پیگیر و پراتیسین اجتماعی بود که به رهائی طبقه کارگر و رسیدن به یک جامعه سوسیالیستی عمیقاً معتقد بود و همین شور انقلابی بر تاثیر گذاری او در چپ آندوره و تلاش برای ایجاد حزب کمونیست در همراهی با اتحاد مبارزان کمونیست و منصور حکمت نقش به سزائی ایفا کرد. جعفر شفیعی یکی از کمونیستها و رهبران دلسوز انقلابی آندوره بود که کومله کمونیست و حزب کمونیست محصول کار و فعالیت چنین شخصیتهای در آندوره بود. متأسفانه افق و تلاش و اهداف که امروز در قالب های تحت عنوان "حزب کمونیست" یا شاخه های "کومه له" دنبال میشود نه تنها هیچ سخنی با اهداف و خصلت کمونیستی جعفر شفیعی و دوره ما ندارد که تماماً بر ضد آن بازسازی شده اند.

دکتر جعفر به عنوان یکی از رهبران کمونیست صادق، اجتماعی، بدون تکبر و بسیار صمیمی نزد همه ما کمونیست ها در حزب کمونیست و کومله سابق جایگاه خاصی پیدا کرده بود و قلباً دوستش داشتیم.

رفیق جعفر در سال ۱۳۳۰ در شهر بوکان متولد شد. در سال ۱۳۵۱ به وسیله ساواک بازداشت، زندانی و شکنجه گردید. از سال ۱۳۵۸ به عضویت کمیته مرکزی کومله در آمد و از سال ۱۳۶۲ که حزب کمونیست ایران تاسیس گردید تا زمانی که در قید حیات بود عضو کمیته مرکزی این حزب بود. با کمال تأسف این کمونیست محبوب روز پنجشنبه هفتم آبانماه سال ۱۳۶۶ برابر با بیست و نهم اکتبر ۱۹۸۷ در جریان تصادف ماشین جان باخت.

بار دیگر یاد رفیق جعفر شفیعی را، در بیست و سومین سالگرد جانباختنش، گرامی خواهیم داشت. با تداوم راه و اهداف والا کمونیستی او یاد عزیزش همیشه نزد ما زنده و گرامی خواهد بود.
این مقاله اولین بار در دهم آبان ماه ۸۹ منتشر شده است.

پ.ن: پارگراف زیر برگرفته از یک سخنرانی جعفر شفیعی است که انگار علیه آنهائی نوشته که بعداز خودش به نادرست به اسم او و آن تاریخ نان به نرخ روز میخورند و هیچ سخنی با کمونیسم و "مارکسیم انقلابی" ندارند: "حزبی که دستاوردهای طبقه کارگر را به قیمت اتحاد با لیبرالها و چپ نماها بفروشد اساساً نمیتواند حتی ادعا کند که چپ هم هست. حزبی که از زاویه طبقاتی به مسائل نگاه نکند نمیتواند کمونیست باشد چون حزب کمونیستی باور عمیقی به جایگاه طبقه کارگر و به مسائل طبقاتی دارد. حزب کمونیست ایران با باور عمیق به مارکسیسم انقلابی و تکیه بر هزاران کارگر آگاه و کمونیست و در تقابل با ریزونیسم حاکم بر چپ ایران تشکیل شد"

توجه: در اینجا دو لینک در یوتوب در باره جعفر شفیعی ضمیمه شده، توجه علاقمندان را به آن جلب میکنیم:
لینک یادنامه جعفر شفیعی، آنگونه که بود، نه آنطوری که حالا در باره اش میگویند، از زبان حزب کمونیست و کومله آزمان:

https://www.youtube.com/watch?v=WIT_qxv2E1E

لینک سخنرانی جعفر شفیعی در کنگره دوم حزب کمونیست ایران (توجه: معلوم نیست چرا بخش شروع و پایان این سخنرانی در این فایل قطع شده است.)

https://www.youtube.com/watch?v=ph6xedhL_ew

بدون آزادی و برابری و سوسیالیسم، جمعیت هشتاد میلیونی ایران از لجن جمهوری اسلامی و تاریخ ننگین نظامهای پیشین و مستبد رهائی پیدا نخواهد کرد!

ممنوعیت تبعیض نژادی رفع ستم ملی مساله کرد

حزب سوسیالیست انقلابی قاطعانه علیه هر نوع تبعیض نژادی و نژادپرستی مبارزه میکند. نه فقط هر نوع تبعیض بر حسب نژاد باید صراحتاً در قوانین کشور ممنوع اعلام شود، بلکه، مخالفت قاطع با تبعیض نژادی در سطح جهان باید یک جزء دائمی سیاست خارجی کشور باشد.

رفع ستم ملی

حزب سوسیالیست انقلابی برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند. حزب سوسیالیست انقلابی هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب، و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسان ها میداند و با هر نوع تقسیم بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب سوسیالیست انقلابی خواهان برقراری نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های خاص معمول داشته نشود. حزب سوسیالیست انقلابی تلاش برای جایگزین کردن هویت طبقاتی و انسانی عام و جهانی کارگران بجای هویت ملی را یک وظیفه حیاتی خود میداند.

بعنوان یک اصل عمومی، حزب سوسیالیست انقلابی خواهان زندگی مردم منتسب به ملیت های مختلف بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق در چهارچوب های کشوری بزرگتر است که سازمانیابی صف های قدرتمند کارگری را در عرصه مبارزه طبقاتی تسهیل میکند. با این حال در مواردی که پیشینه ستم ملی و تخاصمات میان مردم منتسب به ملیت های مختلف همزیستی میان آنها را در چهارچوب های کشوری موجود دشوار و مشقت بار ساخته باشد، حزب سوسیالیست انقلابی حق جدایی ملل تحت ستم و تشکیل دولت مستقل از طریق مراجعه مستقیم به آراء خود آن مردم را، به رسمیت میشناسد.

مساله کرد

نظر به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه و جنبش های اعتراضی و خودمختاری طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، حزب سوسیالیست انقلابی بعنوان یک اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویاً محکوم میکند. حزب سوسیالیست انقلابی خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری یک رفراندوم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این رفراندوم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در رفراندوم، انجام شود.

حزب سوسیالیست انقلابی در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویاً محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشرو تر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت. موضع رسمی حزب سوسیالیست انقلابی در هر مقطع بر مبنای یک بررسی مشخص از موقعیت موجود و مصالح و منافع کل طبقه کارگر و مردم کارگر و زحمتکش در کردستان بطور اخص تعیین خواهد شد.

حزب سوسیالیست انقلابی طرح های مختلف خودمختاری کردستان را که از جانب نیروهای خودمختاری طلب در کردستان ارائه میشود را نه فقط گامی به پیش در امر حل مساله ملی کرد تلقی نمیکند، بلکه آنها را نسخه ای برای دائمی کردن هویت های ملی کرد و غیر کرد در یک چهارچوب کشوری واحد، ابدی کردن و قانونیت بخشیدن به جدایی های ملی و زمینه ای برای تداوم تخاصمات و کشمکش های ملی در آینده ارزیابی میکند.

حزب سوسیالیست انقلابی هر نوع ترتیباتی در مورد آینده سیاسی کردستان را که بدون مراجعه به آراء عمومی خود مردم کردستان و صرفاً بر مبنای تصمیمات دولت مرکزی و یا توافقات از بالا میان دولت و احزاب محلی به اجراء گذاشته شود، فاقد مشروعیت و غیرقانونی میداند.

(از برنامه یک دنیای بهتر، برنامه حزب سوسیالیست انقلابی ایران)

همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان بدون قید و شرط باید آزاد شوند!

ویروس کرونا در سایه جمهوری اسلامی هر روز صدها قربانی میگیرد

کامران م

ویروس کرونا که جهانی و همه گیر شده و قربانی زیادی تا امروز گرفته است، هر چند در بعضی کشورها تا حدی کنترل شده و درصد قربانی و کشته ها، نسبت به اوایل، حداقل بنا به اخبارها، کمتر شده است، اما در ایران همواره رو به افزایش است و هر روز ویروس کرونا در سایه جمهوری اسلامی صدها قربانی میگیرد، و خود ویروس جمهوری اسلامی با سوء استفاده از ویروس کرونا بیش از هر زمانی به جنایت و سرکوب و یورش اقتصادی به مردم زحمتکش روی آورده است.

در ایران مسئولین بی لیاقت و بی کفایت مردم را قرنطینه نکردن و بازار و اصناف و اماکن مذهبی و..... باز گذاشتن تا مردم بیشتر الوده شوند. و بخشی از مردم نیز، تحت تاثیر بی مسئولیتی دولت، نسبت به خود و خانواده و دیگران احساس مسئولیت نکردن و در خانه نماندن و با برگزاری مراسم عقد و عروسی و عزا و مهمانی و غیره به انتشار و پخش ویروس کرونا دامن زده و یکی پس از دیگری مبتلا شدن و باعث گسترش آن در سطح شهرها شدند. تا جایی که در بیمارستانها تختی برای پذیرش بیماران نمانده و اورژانس مجبور به فرستادن بیماران به خانه شده اند. حال بیماران وخیم است و وضع و حال کادر بیمارستان هم خوب نیست و کلا درگیر این ویروس شده اند. تعداد زیادی از پزشکان و پرستاران و دیگر پرسنل بیمارستان مبتلا و فوت شده اند.

این رژیم منفور و جنایت کار برای نابودی مردم کارگر و زحمتکش و بازنشستگان از هر ترفندی استفاده میکند. مردم داران دزد می توانستند برای مدتی رفت و آمد و مراسم ها را کنترل کنند و مردم را تشویق به قرنطینه کنند و از مرگ و میر عده ای زیادی از انسانها جلو گیری کنند. همانگونه که توپ و تانک و تجهیزات جنگی مدرن را برای سرکوب و کشتار مردم بی گناه وارد شهر ها میکرد تا آنها را به رگبار گلوله ببندد. آیا نمی توانست مردم را در خانه هایشان نگهدارد و از تجمعات و مراسم ها مذهبی و غیر ضروری جلو گیری کند؟ آیا نمی توانست زندگی اقتصادی شهروندان را تامین کنند تا بخاطر فقر و گرسنگی و عدم توانایی سیر کردن شکم و پرداخت گریه منزل و غیره مجبور به کار و دستفروشی و تن دادن به هر کاری نباشند؟ پاسخ اینها معلوم است که اگر حکومتی داشتیم مربوط به شهروندان چنین بلایی سرمان نمی آمد، بلکه همه امکانات کشور برای مردم آسیب دیده و آسیب پذیر اختصاص داده میشد نه برای اخوند انگل و پاسدار و ارتشی و دولتیهای جنایتکار!

اگر بجای جمهوری اسلامی یک نظام انسانی و سوسیالیستی حاکم بود، اگر قرنطینه و رعایت نکات بهداشتی و زندگی انسانها در الویت قرار میگرفت، الان درگیر این ویروس نامرئی و کشنده نمیشدیم که در کنار سرکوب و جنایت و اعدام حکومت شاهد جان دادن هر روزه عزیزانمان باشیم. به عنوان کسی که در این بخشهای درمانی هر روز کار میکنم و شاهد هستم هر ساعت و هر روز شاهد مرگی وحشتناک و دلخراش و رقت انگیز بدون حضور خانواده و فامیل و بدون هیچ مراسم و احترام و عزتی که در گودالی ۴ یا ۵ متری دفن می شوند هستیم و روی آنها اهگ ریخته میشود.

رژیم قرون وسطایی از مرگ و مصیبت و بدبختی مردم خوشحال است زیرا مردم را به مردن و عزا گرفتن و مریضی و بیکاری مشغول کرده است و خودش به جنایت و چپاول و بی بند باری ادامه میدهد. امار درستی از فوتیها و مبتلایان به مردم نمیدهد. در طول شبانه روز در همین شهر ما بیش از ۱۰۰ مورد مثبت مراجعه میکنند و متأسفانه عده زیادی میمیرند. انهایی که حالشان وخیم است یا بستری یا اعزام میشوند و بقیه در میان مردم هستند و این کار الودگی را افزایش میدهد و شمار مبتلایان زور به روز افزایش میابد. کمبود تجهیزات و وسایل درمانی و کمبود نیرو و فشار کاری و پرسنل خسته و مضطرب بیداد میکند. مرخصی ها را لغو کرده اند اما حاضر به استخدام پرسنل بیشتر و حتی پرداخت حقوق درست و حسابی به کادر پرسنل پزشکی و درمانی و بهداشتی نیستند. انهایی که به ویروس مبتلا شده اند فقط سه روز حق استراحت و مرخصی دارند و از کادر خدمات ۲۴ ساعت شیفت استفاده می کنند. نبود وسایل حفاظتی مانند ماسک و دستکش و شیلد و ماده ضد عفونی همچنان محروم هستیم. نمی دانم باز چه چیزی را بنویسیم؟ اوضاع خیلی وخیم است و هر روز بد و بدتر میشود، تنها راه قیام علیه حاکمیت، مصادر اموال دولتی و مراکز مذهبی و در اختیار گذاشتن این امکانات به بخش پزشکی و رایگان کردن هم بخش و سطوح امور پزشکی و درمان برای شهروندان است. بدون چنین اقدامی از سوی جامعه ما باید برای مرگ ناحق میلیونها انسان خود را آماده کنیم.

روزهای یکم و پانزدهم شمسی هر ماه نشریه "سوسیالیسم امروز" منتشر میشود. آخرین زمان برای ارسال مطالب برای نشریه ۲۴ ساعت قبل از تاریخهای انتشار است.

[موازین انتشار](#)

[مقالات در نشریه](#)

[سوسیالیسم امروز:](#)

- سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر میشوند که تنها برای این نشریه فرستاده شده باشد.
- مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت ۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خود را لطفا به این آدرس ایمیل بفرستید:

iransocialist2017@gmail.com

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب کمک های مالی خود را برای ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما انسانهای مبارز و دلسوز مستقیماً به پیشرفت ما در جهت گسترش مبارزه خود برای آزادی و برابری و تداوم مبارزه همه جانبه تر خود به منظور سرنگونی جمهوری جنایتکار اسلامی کمک فوری خواهد کرد.

اخراج و بیکار سازی موقوف!